

همایش علمی-پژوهشی مطالعات علمی علوم انسانی در جهان اسلام

نهاد برگزار کننده همایش: موسسه قانون یار

((با همکاری و حمایت معنوی دانشگاه فرهنگیان، آموزش و پرورش، بنیاد شهید و امور ایثارگران، سازمان ارشاد اسلامی، سازمان شهرداری (استان کرمانشاه) مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی (استان تهران) و ...))

سردبیر علمی و مسئول برگزاری همایش: دکتر بهنام اسدی (نماینده مقالات در ۸ پایگاه ملی و بین المللی)

تاریخ برگزاری همایش: ۱۱ اسفند ۱۴۰۱ شماره مقاله: ۲۲۸ ۱۹/۶ رده بندی کنگره: الف ۲۴/۸۸۰

اقوال حجیت بینه در ثبوت هلال ماه

محمد اکبری اسحق ونیدی^۱

پژوهشگر و محقق

محمد علی راشدی

دانش آموخته سطح ۴ حوزه علمیه قم.

چکیده

بعضی از احکام شرعی مانند وجوب روزه یا حرمت روزه متوقف بر ثبوت هلال ماه مبارک و ماه شوال است یکی از راه های اثبات هلال، بینه شرعی است که دو شاهد عادل به رویت هلال شهادت بدهند. این نوشتار در پی پاسخ به این سوال است که آیا بینه در باب ثبوت هلال حجیت است یا نه؟ و بر فرض حجیت آیا به صورت مطلق حجیت است یا فی الجمله حجیت است؟ این پژوهش از ابزار مطالعه ی کتابخانه ی در گردآوری اطلاعات و روش توصیفی تحلیلی استفاده شده است. نسبت به حجیت بینه شش قول بیان کردیم بعد از بیان اقوال به ادله هر کدام از اقوال پرداختیم. ابتدا قول مشهور را مطرح کردیم و ۴ روایت را به عنوان دلیل برای این قول ذکر کردیم. قول دوم، قول سلار است که دو وجه برای این قول ذکر شده است و در قول سوم که قائل آن صراحت ذکر نشده است دو احتمال برای قائل آن بیان کردیم و در نهایت قول ۴، ۵ و ۶ را ذکر کردیم و ادله آنها را ذکر کردیم.

واژگان کلیدی: اقوال، بینه، حجیت، هلال ماه، روئت هلال

^۱نویسنده مسئول

مقدمه

حکومت اسلامی بر سه رکن مبتنی است که یکی از ارکان سه گانه، قضا و قضاوت کردن است. یکی از مهمترین روایاتی که به عنوان قاعده در باب قضا، استفاده شده است «قاعده البینه للمدعی و الیمین علی من انکر» (عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۷، ص ۲۹۳). شاید بتوان گفت که بینه مهمترین راه برای اثبات موضوعات است که علاوه بر استفاده در منازعات و مخاصمات در ثبوت هلال نیز مطرح شده است و به عنوان یکی از راهای ثبوت هلال معرفی شده است (حکیم، ۱۴۱۶ق، ج ۸، ص ۴۵۳). نسبت به بحث بینه در باب ثبوت هلال کمتر کار شده است. و عموماً این بحث در درس خارج فقه مطرح شده است. نشریه فقه در ضمن مقاله‌ای به معنای بینه پرداخته است و در ادامه به بیان اقوال که تنها چهار قول است، می‌پردازد، در قول سلاز، روایت داود بن الحصین را به عنوان دلیل ذکر می‌کند و این روایت را تضعیف می‌کند و برای قول سوم تنها یک احتمال ذکر می‌کند (بینه و ثبوت هلال، نشریه فقه، ۱۳۹-۱۹۶) اما در این نوشتار ۶ قول ذکر بررسی می‌شود و روایتی که به عنوان دلیل بر قول سلاز ذکر شده است را از حیث سند تقویت می‌شود و نسبت به قائل قول سوم دو احتمال بیان می‌شود. اگر چه مقالات زیادی برای بحث بینه در منازعات ذکر شده است اما در باب ثبوت هلال کمتر کار شده است. در این نوشتار نسبت به حجیت بینه، ۶ قول بررسی می‌شود. قول مشهور حجیت بینه به صورت مطلق است. که در این باره روایات تواتر اجمالی دارند که از باب نمونه چهار روایت مورد بررسی قرار می‌گیرد. در قول دوم، سلاز قائل به حجیت یک بینه در باب ثبوت هلال ماه مبارک شده است، اما نسبت به ثبوت هلال شوال با مشهور هم نظر است ایشان دلیلی بر این مطلب ذکر نمی‌کند اما دو وجه برای این قول به عنوان دلیل مورد بررسی قرار می‌گیرد. قول سوم، عدم حجیت بینه مطلقاً است که محقق حلی قائل را ذکر نکرده است اما نسبت به قائل این قول، دو احتمال مورد بررسی قرار می‌گیرد. که در احتمال اول شیخ صدوق مورد بررسی قرار می‌گیرد و در احتمال دوم شیخ یوسف بحرانی بررسی می‌شود. قول چهارم پنجم و ششم، نسبت به اینکه در اسمان علتی مانند ابر غبار و... باشد که مانع از دیدن هلال بشود یا اینکه هوا صاف باشد و دو شاهد بینند و همچنین نسبت به اینکه این دو شاهد از داخل خود شهر باشند یا

اینکه از خارج شهر باشند تفصیلاتی بیان شده است. این نوشتار بر ابزار مطالعه‌ی کتابخانه‌ی برای گردآوری اطلاعات مبتنی است و از روش توصیفی تحلیلی استفاده شده است.

• بررسی و شناسایی مفهوم بینه

بینه در لغت به معنای واضح و اشکار آمده است فیومی می‌گوید: «بینه و مشتقات آن به معنای وضوح و انکشاف است» (مصباح المنیر ج ۱ ص ۷۰). بینه صفت مشبهه‌ای است که از بان گرفته شده است. وقتی می‌گوییم صفت است باید موصوف داشته باشد گفته شده که موصوف بینه، حجت و دلیل است. که ترکیب صفت و موصوف به معنای دلیل اشکار یا حجت اشکار است (القواعد الفقهیه ج ۳ ص ۱۰). طبق معنای لغوی، بینه شامل یک شاهد نیز می‌شود اما در شرع می‌بینم که به دو شاهد عادل اطلاق بینه می‌شود. گفته شده که بینه معنای لغوی خود را از دست داده و معنای جدیدی گرفته است و این معنای جدید را به سبب کثرت استعمال پیدا کرده است. اما این سخن درست نیست چرا که همچنان بینه در معنای لغوی خود بکار می‌رود و در قرآن هم به همین معنای لغوی بکار رفته است. اگر بگوییم که بینه همان معنای لغوی را دارد این به معنای این است که همانطور یک شاهد در احکام کفایت می‌کند یک شاهد در موضوعات هم کفایت می‌کند و اینکه گفته شده یک شاهد در موضوعات کفایت نمی‌کند باطل می‌شود. در نتیجه باید گفت که اگر چه در شرع بینه کثیر ما به معنای دو شاهد بکار رفته است اما این کثرت سبب نمی‌شود که معنای لغوی خود را از دست بدهد. در نتیجه اگر در جای بگویند بینه لازم است یعنی یک شاهد هم کافی است مگر اینکه مخصصی داشته باشیم که خلاف قاعده کلی کفایت یک شاهد را اثبات کند.

مرحوم صاحب عروه بینه را به عنوان پنجمین طریق اثبات هلال بیان می‌کنند. ایشان از طریق پنجم اثبات هلال به بینه شرعی تعبیر می‌کنند (یزدی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۲۲۳). که مراد همان شهادت دو مرد عادل، به این ما هلال را دیده ایم. در اینکه آیا شهادت دو مرد عادل به رویت هلال، برای ثبوت هلال کفایت می‌کند یا نه؟ باید گفت که مشهور فقهاء امامیه قائل به کفایت شهادت دو مرد عادل

در ثبوت هلال هستند و از جهتی قائل به عدم کفایت یک شاهد هستند (حکیم، ۱۴۱۶ق، ج ۸ ص ۴۵۳). اما در مقابل مشهور چند قول نیز مطرح شده است. لذا اختلاف اقوال در بینه یکی از علل اختلاف علماء در بحث ثبوت هلال است. اقوال مهم و ادله را بیان می کنیم.

• قول اول (مشهور): شهادت دو مرد عادل مطلقاً

مشهور فقهاء بر این قول هستند که شهادت دو مرد عادل مطلقاً اعم از اینکه علتی در آسمان باشد که مانع از دیدن هلال بشود یا علتی نباشد و اعم از اینکه دو شاهد از داخل بلد باشند یا اینکه خارج از بلد باشند بلکه دو شاهد عادل مرد اگر شهادت به رویت هلال بدهند مطلقاً هلال ثابت می شود (خوئی، ۱۴۱۸ق، ج ۲۲، ص ۶۳).

• دلیل قول اول

دلیل این قول روایاتی است که در این زمینه داریم که مجموع روایاتی که شهادت دو مرد عادل را به طور مطلق برای اثبات هلال کافی می داند ۱۸ روایت می باشد (شسیری، ۱۳۸۹، ۱۹ آبان، خارج فقه). نسبت به روایاتی که حجیت بینه را به صورت مطلق ثابت می کنند بعید نیست که بتوانیم ادعای تواتر اجمالی کنیم (خوئی، ۱۴۱۸ق، ج ۲۲، ص ۶۵). که از باب نمونه چهار روایت ذکر می کنیم:

روایت اول: « ۱ - محمد بن یعقوب، عن علی بن ابراهیم، عن أبیه، وعن محمد بن یحیی، عن أحمد بن محمد جمیعاً، عن ابن أبي عمیر، عن حماد بن عثمان، عن الحلبي، عن أبي عبد الله عليه السلام أن علياً عليه السلام كان يقول: لا أُجيز في الهلال إلا شهادة رجلين عدلين » (الحر العاملي، ۱۴۰۹ق، ج ۱۰ ص ۲۸۶).

تقریر: این روایت دو قست دارد. قسمت اول، نفی است که تعبیر به "لا أُجیز" است که این نفی به قرینه قسمت دوم که "رجلین عدلین" است می تواند نفی سه چیز باشد. ۱- هم نفی شاهد زن می کند چون تعبیر به رجلین شده است و ۲- هم می تواند نفی کمتر از دو نفر باشد چون تعبیر به

رجلین از باب تشبیه کرده است و رجلین علاوه بر جنسیت، تعداد را هم بیان کرده است. ۳- و هم می‌تواند نفی فاسق یا عدم عادل را بکند به قرینه کلمه عدلین که به صورت صفت برای رجلین آمده است. در نتیجه روایت شهادت دو مرد عادل را برای ثبوت هلال کافی می‌داند. و این روایت مطلق است و تقیید به اینکه علتی در اسمان باشد یا نباشد نشده است.

روایت دوم: «۳- وعن علی بن إبراهیم، عن أبيه، عن ابن أبي عمير، عن حماد بن عثمان، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: قال أمير المؤمنين عليه السلام: لا تجوز شهادة النساء في الهلال، ولا يجوز إلا شهادة رجلین عدلین» (الحر العاملي، ۱۴۰۹ق، ج ۱۰، ص ۲۸۷).

تقریر: این روایت سه قسمت دارد قسمت اول مستقل است که جواز شهادت زنان برای ثبوت هلال را نفی می‌شود به این معنا که شهادت زنان در باب ثبوت هلال حجیت و اعتباری ندارد. در قسمت دوم نفی است که این نفی به قرینه مستثنی، نفی شهادت یک نفر و همچنین نفی شهادت فاسق است. این روایت هم شهادت دو مرد عادل برای ثبوت هلال را کافی و معتبر می‌داند.

روایت سوم: «عن صفوان عن منصور بن حازم، عن أبي عبد الله عليه السلام أنه قال: صم لرؤية الهلال وأفطر لرؤيته، فإن شهد عندكم شاهدان مرضيان بأتهما رأياه فاقضه» (الحر العاملي، ۱۴۰۹ق، ج ۱۰، ص ۲۸۷)

تقریر: در این روایت هم محل استشهاد ما "شاهدان" که این دو شاهد، تعبیر صریح در اینکه باید دو شاهد باشد. این روایت تنها در مقام تحدید از جانب کمتر است به این معنا که یک نفر کفایت نمی‌کند و باید حداقل دو شاهد باشد اما اگر سه شاهد باشد مطمئناً این شهادت معتبر است لذا تنها در قسمت حداقل، تحدید می‌کند. این روایت صراحت می‌گوید که شهادت دو مرد عادل همانا و قضا کردن روزی که شهادت به رویت هلال در آن داده اند همانا. و این یعنی شهادت آنها معتبر و حجت است.

روایت چهارم: «عن جعفر، عن أبيه عليه السلام أن عليا عليه السلام قال: لا أُجيز في الطلاق ولا في الهلال إلا رجلين» (الحر العاملي، ۱۴۰۹ق، ج ۱۰، ص ۲۸۹)

تقریر: در این روایت امام، طلاق دادن و هلال را با هم ذکر می کند و می فرماید فقط دو شاهد مرد در آنها پذیرفته می شود. در صورتی که ما هیچ گونه روایاتی در مورد شرائط بینة در هلال نداشته باشیم شاید بتوان گفت با استناد به این روایت شرائط شاهد در طلاق را در شهادت به ثبوت هلال تسری بدیم.

نتیجه: کثرت روایات در باب کفایت و حجیت دو مرد عادل برای ثبوت هلال از جهتی و از جهتی صراحت این روایت در این باره این قول را تثبیت می کند.

قول دوم (سلار): کفایت یک شاهد

یکی از اقوال مطرح در باب ثبوت هلال ماه مبارک قول فقیه سلار است ایشان می فرماید: «أو شهد بها في أوله واحد عدل، وفي آخره إثنان عدلان. وإن تعذرت رؤية الأهله، فالعدد» (سلار، ۱۴۰۴ق، ص ۹۶)

ایشان می فرماید: اول ماه مبارک رمضان با شهادت یک عادل ثابت می شود، اما انتهای ماه و شروع ماه شوال، باید دو مرد عادل شهادت بدهند. نسبت به عبارت اول ایشان که واحد عدل، اشتباه برداشته شده است و خیلی از مقررین، واحد عدل را بر شهادت یک مرد حمل کرده اند در حالی که عبارت ایشان در قسمت اول عام است و شامل یک مرد عادل و یک زن عادل می شود. چرا که ایشان می فرماید: "واحد عدل" و واحد عدل عام است که هم زن و هم مرد را در بر می گیرد. اما نسبت به آخر ماه مبارک، دو عادل شاهد باید باشد در اینجا قسمت منظور ایشان دو مرد عادل است، و این را می توان از کثرت روایات در این باب فهمید. ایشان می فرماید اگر رویت ممکن نبود یا اینکه رویت نشد، گذشت ۳۰ روز ملاک است.

دلیل قول دوم

سلار، دلیل بر کفایت شهادت یک مرد عادل ذکر نمی کنند، اما بعضی فقهاء وجوهی برای قول سلار ذکر کرده اند. که به دو وجه در این باره اشاره می کنیم:

وجه اول: روایت محمد بن قیس

روایت: «عن محمد بن قیس، عن أبي جعفر عليه السلام قال: قال أمير المؤمنين عليه السلام: إذا رايتم الهلال فأفطروا، أو شهد عليه عدل من المسلمين» (الحر العاملي، ۱۴۰۹ق، ج ۱۰، ص ۲۷۸)

تقریر: در روایت شهد علیه عدل دارد و اگر یک نفر عادل به ثبوت هلال شهادت بدهد این شهد علیه عدل صدق می کند و لذا با شهادت یک نفر هم هلال ثابت می شود علاوه بر این عدل مصدر است که هم بر واحد اطلاق می شود و هم بر تثنیه و جمع اطلاق می شود و مشترک معنوی می باشد و لذا به سبب این اطلاق شهادت عدل واحد کفایت می کند.

• اشکال

این روایت در مورد هلال شوال است که سلار در هلال شوال قائل به دو شاهد است و ایشان در هلال شوال شهادت یک نفر را کافی نمی داند بلکه ایشان تنها در هلال ماه مبارک شهادت یک نفر را کافی می داند و روایت در مورد هلال ماه مبارک نیست که به عنوان دلیل بر کلام سلار ذکر شود. ممکن است گفته شود که وقتی روایت بر کفایت یک مرد عادل در ثبوت هلال شوال بکند به طریق اولی دلالت بر کفایت یک مرد عادل در ثبوت هلال ماه مبارک می کند. به هر حال سلار می گفت هلال ماه مبارک با یک شاهد و هلال ماه شوال با دو شاهد ثابت می شود، اگر روایت ثبوت هلال شوال را با یک شاهد معتبر می داند به طریق اولی می تواند دلیل مدعی اول کلام سلار باشد. به هر حال این روایت می گوید یک شاهد کفایت می کند و این روایت با قول مشهور تعارض دارد.

• جواب

در جواب باید گفت که دلالت روایت بر کفایت یک شاهد بر ثبوت هلال تمام است اما این روایت تاب تحمل در مقابل روایاتی که دو شاهد را در ثبوت هلال شرط می کنند، ندارد چون روایاتی که دلالت بر اعتبار دو شاهد می کند هم از حیث دلالت قوی تر و هم از حیث تعداد بیشتر هستند. در نتیجه جمع بین روایات مقتضی این است که قائل به تعدد شاهد برای ثبوت هلال باشیم.

وجه دوم: روایت داود بن الحصین

«عن داود بن الحصین ، عن أبي عبد الله (عليه السلام) - في حديث طويل - قال: لا تجوز شهادة النساء في الفطر إلا شهادة رجلين عدلين ، ولا بأس في الصوم بشهادة النساء ، ولو امرأة واحدة» (الحر العاملي، ۱۴۰۹ق، ج ۲۷، ص ۳۶۱)

• بررسی سندی

این روایت دو طریق دارد که هر دو طریق آن از حیث سند معتبر است. این روایت به هر دو بخش مدعی فقیه سلال اشاره دارد. در قسمت اول روایت: شهادت دو مرد عادل را در هلال ماه شوال را معتبر می داند و شهادت زنان را در هلال شوال را کافی نمی داند، که قسمت اول روایت، بخش دوم مدعی فقیه سلال را اثبات می کند و قسمت دوم روایت، می گوید برای روزه گرفتن ماه مبارک شهادت یک زن هم کفایت می کند. که این همان بخش دوم ادعای مرحوم سلال می باشد.

• اشکال

اولاً: این روایت نسبت به هلال ماه مبارک رمضان ساکت است و نمی گوید که با شهادت یک زن هلال ماه مبارک رمضان ثابت می شود بلکه این روایت می گوید که با شهادت یک زن شخص می توان رجاء روزه بگیرد اما اینکه بخواهد ماه مبارک رمضان را ثابت کند که به تبع آن حکم به وجوب روزه بکند، چنین دلالتی ندارد. در نتیجه اینکه گفته شده یک شاهد زن کفایت می کند این برای این است که شخص رجاء روزه بگیرد، شاید هم مراد فقیه سلال هم همین باشد

ثانیا: اگر کسی اصرار بکند که این روایت شهادت یک زن را در ثبوت هلال ماه مبارک رمضان کافی می‌داند، می‌گویم این روایت با روایاتی که دو شاهد را برای ثبوت هلال ماه مبارک شرط می‌کنند تعارض می‌کند و به دلیل قوی‌تر بودن روایاتی که دو شاهد را شرط می‌کند آنها را مقدم می‌کنیم.

قول سوم: شهادت عدلین مطلقا کفایت نمی‌کند

محقق در شرائع می‌فرماید: «ومن لم يره، لا يجب عليه الصوم، إلا: ان يعضى من شعبان ثلاثون يوما، أو رؤى رؤية شائعة فإن لم يتفق ذلك وشهد شاهدان، قبل: لا تقبل» (حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۱۸۰) کسی که هلال را ندیده، روزه گرفتن ماه مبارک رمضان بر او واجب نیست مگر اینکه ۳۰ روز از ماه شعبان بگذرد یا اینکه ماه دیده شود اما اگر این دو حاصل نشوند و دو شاهد شهادت بدهند گفته شده که شهادت این دو فرد قبول نیست و هلال با ظن ثابت نمی‌شود بلکه باید یقین حاصل بشود.

در اینکه قائل این قول سوم چه کسی است، معلوم نیست و مرحوم صاحب جواهر می‌فرماید: ما قائل به این قول را نمی‌شناسیم همین تعبیر را مرحوم حکیم نیز دارند و می‌فرمایند: **و لم يعرف قائله** (حکیم، ۱۴۱۶ق، ص ۴۵۳). اما دو احتمال در قائل به این قول مطرح شده است:

احتمال اول: شیخ صدوق

ایت الله شیرازی می‌فرماید: احتمالا مراد محقق از قیل، شیخ صدوق باشد به این دلیل که مرحوم صدوق در کتاب هدایه چند روایت ذکر می‌کنند که مراد روایات ذکر شده عدم اعتبار شهادت دو مرد عادل می‌باشد وقتی مرحوم صدوق در هدایه چنین روایاتی ذکر می‌کند یعنی مختار من صدوق این است (شیرازی، ۱۳۸۹، ۱۵ آبان، خارج فقه). از جمله این روایات، روایت «**فضل بن عبدالملک عن ابي عبدالله عليه السلام قال الصوم للروية و الفطر للرؤية و ليس الرؤية أن يراه واحد ولا اثنان ولا خمسون**» (صدوق، ۱۴۱۸ق، ص ۱۸۳) روایت

می گوید: روزه گرفتن و افطار کردن با دیدن هلال است و منظور از دیدن هلال این نیست که یک نفر یا دو نفر و یا حتی ۵۰ نفر ببینند. لذا این روایت شهادت در ثبوت هلال حجت و معتبر نمی داند. البته مرحوم صدوق از این قول برگشته است و در کتاب های دیگر این قول را ذکر نکرده است.

احتمال دوم: شیخ یوسف بحرانی

شیخ محمد تقی املی می فرماید: «لا ینبغی الإشکال فی اعتبار البینه فی باب الیهلال و إثباته بها فی الجملة، و لم یحک الخلاف فی ذلك عن أحد إلا ما نسبہ فی الشرائع إلى القیل من عدم إثبات الیهلال بها مطلقا، و فی الجواهر و غیره انه لم یعرف قائله، و لکن یمکن استنادہ الی صاحب الحدائق من المتأخرین حیث انه یقول: بعدم جواز التعویل علیها إلا إذا أفاد العلم» (املی، ۱۳۸۰، ج ۸، ص ۳۶۵)

به صورت کلی بینه در ثبوت هلال معتبر است و فی الجملة می توان با بینه هلال را ثابت کرد. و در اعتبار بینه کسی اشکال نکرده جز اینکه صاحب شرائع عدم اعتبار بینه در ثبوت هلال را به قیل نسبت داده است که می توان این قیل را به صاحب حدائق نسبت داد. املی در ادامه علت این انتساب به صاحب حدائق را این طور توضیح می دهد که: مرحوم صاحب حدائق تنها در یک صورت بینه را معتبر می داند و آن در جای است که بینه موجب علم شود. اما در جای که بینه موجب علم نشود نمی توان به آن اعتماد کرد و لذا اعتباری به آن نیست و این یعنی عدم ثبوت هلال با شهادت دو شاهد عادل است.

این احتمال املی بی وجه نیست چرا که صاحب حدائق می فرماید: «و شهادة العدلین غایه ما تفیده عندهم هو الظن و الظن هنا من ما قد منعت منه الأخبار للتمكن من العلم و الیقین كما هو المفروض، و حینئذ فلا بد هنا من ما یفید العلم» (بحرانی، ۱۴۰۵ق، ج ۱۳، ص ۲۵۵)

نهایت چیزی که شهادت عدلین می‌رساند ظن است به این معنا که شهادت عدلین ما را به علم نمی‌رساند بلکه نهایت باعث ظن به ثبوت هلال می‌شود. و در جای که امکان رسیدن به علم و یقین باشد، عمل به ظن منهی عنه است و روایات ما از عمل به ظن در چنین جای نهی کرده است لذا باید علم حاصل شود. این عبارت بحرانی، در عدم قبول بینة صریح است و برداشت املی از عبارت، برداشت صحیحی به نظر می‌رسد.

قول چهارم: تقیید شهادت عدلین به وجود علتی در آسمان

قائلین به این قول، اعتبار شهادت عدلین را مشروط به وجود علتی در آسمان می‌کنند که آن علت مانع از دیدن هلال برای عموم مردم بشود. به عبارت دیگر شهادت عدلین مطلقاً حجت نیست بلکه در جایی علت است که در آسمان ابری، گرد و غباری یا علتی باشد که مانع دیدن هلال شود بلکه در اینصورت شهادت دو مرد عادل برای ثبوت هلال کفایت می‌کند اما اگر علتی نباشد، شهادت دو مرد عادل برای ثبوت هلال معتبر نیست و کفایت نمی‌کند. اما اینکه آیا عدلین باید از خارج بلد باشند یا داخل بلند باشند فرق نگذاشتند. فقط بودن علت در آسمان را شرط اعتبار شهادت عدلین می‌دانند.

شیخ طوسی در این باره می‌فرماید: «فإن كان في السماء علةٌ من غيم أو قمام أو غبار و شهد عدلان مسلمان برؤيته وجب أيضا الصوم» (طوسی، ۱۳۸۷ق، ج ۱، ص ۲۶۷). که اگر در آسمان علتی مانند ابر، تاریکی یا گرد و غبار باشد و دو شاهد عادل به رویت هلال شهادت بدهند روزه واجب می‌شود. ایشان در ادامه می‌فرمایند: «و ان لم يكن هناك علةٌ لم يقبل إلا شهادة القسامه خمسين رجلا» (طوسی، ۱۳۸۷ق، ج ۱، ص ۲۶۷). اما اگر علتی در آسمان نباشد شهادت دو مرد عادل کفایت نمی‌کند مگر اینکه به عدد قسامه ۵۰ نفر شهادت بدهند. این عبارت شیخ طوسی در عدم حجیت دو شاهد عادل در صورتی که در آسمان علتی نباشد، صریح است. ابو الصلاح حلبی نیز از قائلین به این قول است ایشان می‌فرماید: «وعلامة دخوله رؤية الهلال،

وبها يعلم انساله، ويقوم مقامها شهادة رجلين عدلين في الغيم وغيره من العوارض، وفي الصحو وانتفاءها اخبار خمسين رجلاً» (حلی، ۱۴۰۳ق، ص ۱۸۱)

ایشان می‌فرماید: علامت شروع و پایان ماه، رویت هلال است، و شهادت دو مرد عادل در صورتی که در آسمان ابر یا عوارض دیگری غیر از ابر باشد، قائم مقام رویت هلال می‌شود و با شهادت دو مرد عادل هلال ثابت می‌شود اما اگر هوا صاف است و علتی در آسمان نباشد باید ۵۰ نفر شهادت بدهند و این یعنی در صورتی که علتی نباشد شهادت دو مرد عادل کفایت نمی‌کند. بلکه شهادت دو مرد عادل در صورت وجود علتی در آسمان معتبر می‌باشد و می‌توان هلال را ثابت کنندگان حمزه را می‌توان از جمله قائلین به این قول نیز به شمار آورد (طوسی، ۱۴۰۸ق، ص ۲۲۱).

قول پنجم: تقید شهادت عدلین به دو شرط

بعضی از فقهاء شهادت دو شاهد عادل به ثبوت هلال را با دو شرط معتبر می‌دانند یک _ اینکه علتی در آسمان باشد که مانع از رویت هلال بشود دو _ اینکه دو شاهد خارج بلد باشند. اما اگر مجموع این دو شرط نباشد شهادت دو شاهد معتبر نیست به این معنا اگر تنها علتی در آسمان باشد و دو شاهد از داخل به رویت هلال شهادت بدهند قائلین به این قول چنین شهادتی را فاقد اعتبار می‌دانند یا اینکه اگر از خارج بیایند شهادت بدهند اما در آسمان علتی نباشد باز هم شهادت این دو شاهد نزد قائلین به این قول نمیتواند هلال را ثابت کند. از جمله قائلین به این قول شیخ در استبصار (طوسی، ۱۳۹۰ق، ج ۲، ص ۷۴)، ابن براج در مهذب (المهذب، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص ۱۸۹) اشاره کرد

قول ششم: تقید شهادت عدلین به یکی از دو شرط

قائلین به این قول می‌گویند شهادت عدلین مطلقاً معتبر نیست بلکه اگر عدلتی در آسمان باشد که مانع شود در اینصورت چه از داخل باشند چه از خارج شهادت آنها معتبر است یا اینکه اگر دو شاهد از خارج باشند چه علتی در آسمان باشد چه نباشد باز هم شهادت آنها معتبر است لذا برای

اعتبار شهادت دو شاهد باید یکی از دو امر باشد. از جمله قائلین به این قول شیخ در خلاف است (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۱۷۲)

ادله قول سوم، چهارم، پنجم و ششم

ادله این سه قول که همگی مقابل مشهور است روایات است. در این باره ما روایات متعددی داریم که مرحوم خوئی چهار روایت ذکر می کند و فقط همین چهار روایت را مقابل قول مشهور می داند (خوئی، ۱۴۱۸ق، ج ۲۲، ص ۶۵) اما بیش از چهار روایت داریم. و ما در این نوشتار به سه روایت اشاره می کنیم.

روایت اول: « فضل بن عبدالملک عن ابي عبدالله عليه السلام قال الصوم للروية و الفطر للرؤية و ليس الرؤية آن يراه واحد ولا اثنان ولا خمسون » (صدوق، ۱۴۱۸ق، ص ۱۸۳)

• تقریر

بیان کردیم که این روایت در کتاب الهدایه ذکر شده است که در مقابل قول مشهور است. روایت می گوید شهادت ۵۰ نفر هم در ثبوت هلال کفایت نمی کند چه رسد به اینکه دو نفر بخواهند شهادت بدهند.

• پاسخ

اولاً: این روایت تنها این مطلب را می خواهد ثابت کند که صرف عدد برای ثبوت هلال کفایت نمی کند. به این معنا که دو نفر و ۱۰ نفر تمام الموضوع برای ثبوت هلال نیست و نمی توان برای ثبوت هلال به عدد اکتفا کرد. و این منافاتی با این ندارد که اگر عدالت به عدد ضمیمه شود و عدد و عدالت با هم دیگر باشند هلال ثابت می شود

ثانیا: بر فرض که سند و دلالت روایت تمام باشد، و بگویم بینه در ثبوت هلال حجیت ندارد. با روایات دیگر تعارض می کند و بخاطر قوت روایات دیگر، آن روایات قوی رو مقدم می کنیم.

روایت دوم «عن حبيب الخزاعي قال: قال أبو عبدالله عليه السلام: لا تجوز الشهادة في رؤية الهلال دون خمسين رجلا عدد القسامة، وإنما تجوز شهادة رجلين إذا كانا من خارج المصر وكان بالمصر علة فأخبرا أنّهما رأياه، وأخبرا عن قوم صاموا للرؤية وأفطروا للرؤية» (الحر العاملي، ۱۴۰۹ق، ج ۱۰، ص ۲۹۰)

امام می فرمایند: شهادت دو مرد کفایت نمی کند و لذا امام با این عبارت اطلاق قول اول را رد می کنند. سپس می فرمایند: بله شهادت دو مرد در جای معتبر است که ۱- دو شاهد از خارج مصر باشند لذا اگر از داخل باشند معتبر نیست ۲- اینکه علتی در مصر باشد اما اگر هوا صاف باشد و مانعی از رویت هلال نباشد باز هم شهادت دو شاهد معتبر نیست. این روایت فی الجمله دلیل بر سه قول اخیر باشد.

• پاسخ

سند روایت بخاطر وجود حبيب خزاعي یا جماعی ضعیف است (خوئی، ۱۴۱۸ق، ج ۲۲، ص ۶۶). مرحوم خوئی علاوه بر ضعف سند اشکالات دلالتی نیز به این روایت می کند. اما بنظر می رسد که این اشکالات وارد نیست. در نتیجه چه اشکالات وارد باشد چه وارد نباشد این روایت ضعیف السند است و نمی تواند مطلوب را مستقلا ثابت کند.

روایت سوم: «عن أبي أيوب ابراهيم بن عثمان الخراز، عن أبي عبدالله عليه السلام قال: قلت له: كم يجزى في رؤية الهلال؟ فقال: إن شهر رمضان فريضة من فرائض الله فلا تؤدوا بالتظنّي، وليس رؤية الهلال آن يقوم عدة فيقول واحد: قد رأيته، ويقول الآخرون: لم نره، إذا رآه واحد رآه مائة، وإذا رآه مائة رآه ألف، ولا يجزى في رؤية الهلال إذا لم يكن في السماء علة

أقل من شهادة خمسين، وإذا كانت في السماء علة قبلت شهادة رجلين يدخلان ويخرجان من مصر» (الحر العاملي، ١٤٠٩ق، ج ١٠، ص ٢٩٠).

تقرير روایت: امام می فرمایند اگر در آسمان علتی نباشد و هوا صاف باشد شهادت کمتر از ۵۰ نفر معتبر نیست و این عبارت صریح در رد قول مشهور است. سپس امام می فرمایند بلکه اگر علتی در آسمان باشد شهادت دو مرد معتبر است و فرقی هم نمی کند که این دو مرد از خارج شهر باشند یا خارج شهر باشند لذا این روایت تنها بر قول چهارم و قول ششم دلالت می کند.

• پاسخ

این روایت ناظر به اهل عامه است چرا که نظر اهل عامه در باب هلال این است که، اگر فی الجمله ظنی به رویت هلال پیدا شود، آن را کافی می دانند و به آن اخذ می کنند، این روایت این حرف اهل عامه را باطل می کند و از عمل به ظن نهی می کند. روایت می گوید باید علم یا علمی برای انسان حاصل شود که بتواند به آن اخذ کند. به عبارت دیگر زمانی می توانیم اخذ به خبر واحد و یا دو شاهد بکنیم که اطمینان به خلاف گفته آنها نباشد، وقتی هوا صاف باشد و تنها دو نفر ادعای دیدن هلال بکنند خلاف به گفته آنها باقی می ماند و لذا شهادت آنها حجت نیست اما اگر هوا صاف نباشد یا اینکه از خارج شهر بیایند یا اصلاً هوا صاف باشد و ما اطمینان به خلاف گفته آنها پیدا نکنیم، شهادت آنها معتبر است. در نتیجه روایت در مقام رد اعتبار دو شاهد نیست بلکه روایت می گوید اگر اطمینان بر خلاف باشد، شهادت دو شاهد معتبر نیست اما اگر اطمینان به خلاف گفته آنها نباشد، شهادت دو شاهد حجت و معتبر است.

نتیجه گیری

در این نوشتار به دسته بندی جدیدی برای اقوال بیان شده است و تعداد اقوال در این نوشتار شش قول است که در نوشتارهای سابق تنها به چهار قول اشاره شده است پرداخته شده است. علاوه بر دسته بندی اقوال و ذکر شش قول نسبت به گفته فقیه سلال بر کفایت یک شاهد در ثبوت هلال ماه مبارک رمضان دو وجه بیان کردیم که در نوشتارهای سابق تنها به ذکر قول او پرداخته می شد. در

قول سوم که قائل آن معلوم نبود و مرحوم حکیم تعبیر به لم يعرف قائله کرده اند، دو احتمال در اینکه قائل این قول چه کسی می تواند باشد، بیان کردیم. نسبت به قول سوم چهارم پنجم و ششم ادله را به صورت دقیق تقریر کردیم و پاسخ های متقنی به ادله داده شده است، و قول مشهور بر کفایت دو شاهد عادل در ثبوت هلال را اختیار کردیم.

منابع و مآخذ

۱. ابن براج عبدالعزيز، «المهذب»، مصحح: سبحانی جعفر، چاپ اول، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین، قم، ۱۴۰۶ق.
۲. املی میرزا محمدتقی، «مصباح الهدی فی شرح العروه الوثقی»، چاپ اول، بی نا، تهران، ۱۳۸۰ق.
۳. بحرانی یوسف، «الحدائق الناضره فی احکام العتره الطاهره»، مصحح: ایروانی محمدتقی؛ مقرر عبدالرزاق، چاپ اول، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین، قم، ۱۴۰۵ق.
۴. بجنوردی سیدحسن، «القواعد الفقهیه»، مصحح: مهریزی مهدی؛ درایتی محمدحسن، چاپ اول، نشر الهادی، قم، ۱۴۱۹ق.
۵. حکیم سید محسن، «مستمسک العروه الوثقی»، چاپ اول، دار التفسیر، ۱۴۱۶ق.
۶. الحر العاملی محمد بن الحسن، «وسائل الشیعه»، چاپ اول، موسسه اهل البيت عليهم السلام، قم، ۱۴۰۹ق.
۷. حلبی ابوالصلاح، «الکافی فی الفقه»، مصحح: استادی رضا، چاپ اول، کتابخانه عمومی امام امیر المومنین علیه السلام، اصفهان، ۱۴۰۳ق.
۸. حلبی (محقق) نجم الدین، «شرائع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام»، مصحح: بقال عبدالحسین، چاپ دوم، موسسه اسماعیلیان، قم، ۱۴۰۸ق.
۹. خوئی ابوالقاسم، «موسوعه الامام الخوئی»، مقرر: جمعی از بزرگان و اساتید، چاپ اول، موسسه احیاء آثار الامام الخوئی، قم، ۱۴۱۸ق.
۱۰. سلار حمزه بن عبدالعزيز، «المراسم العلویه و الاحکام النبویه فی الفقه الامامی»، مصحح: بستانی محمود، چاپ اول، منشورات الحرمین، قم، ۱۴۰۴ق.
۱۱. شیرازی زنجانی سید موسی، «درس خارج فقه»، مدرسه فقهات (<https://www.eshia.ir>)، ۱۳۸۹/۸/۱۵

۱۲. صدوق محمد، «الهدایه فی الاصول و الفروع»، چاپ اول، موسسه امام هادی علیه السلام، قم، ۱۴۱۸ق.
۱۳. طوسی (بن حمزه) محمد، «الوسيله الى نيل الفضيله»، مصحح: حسون محمد، چاپ اول، انتشارات کتابخانه ایت الله مرعشی نجفی، قم، ۱۴۰۸ق.
۱۴. طوسی (شیخ الطائفه) محمد بن حسن، «المبسوط فی فقه الامامیه»، مصحح: کشفی سید محمد تقی، چاپ سوم، کتابخانه مرتضویه لاحیاء الآثار الجعفریه، ۱۳۸۷ق.
۱۵. طوسی (شیخ الطائفه) محمد بن حسن، «الاستبصار فیما اختلف من الاخبار»، چاپ اول، دار الکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۹۰ق.
۱۶. طوسی (شیخ الطائفه) محمد بن حسن، «الخلافا»، مصحح: خراسانی علی؛ شهرستانی سید جواد، چاپ اول، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین، قم، ۱۴۰۷ق.
۱۷. فیومی ابوالعباس، «المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر»، بی‌جا، المکتبه العلمیه، بیروت، بی تا
۱۸. نشریه فقه، «بینه و ثبوت هلال»، نشریه فقه، شماره دوم، زمستان ۱۳۷۳، ۱۳۹-۱۹۶
۱۹. یزدی سید محمد کاظم، «العروه الوثقی»، چاپ دوم، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، ۱۴۰۹ق

توجه داشته باشید: جهت چاپ مقالات خود در نشریات علمی و همایش های معتبر با (خانم دکتر جعفری) ۰۹۱۹۶۷۴۸۶۲۵ تماس بگیرید. گواهی نامه پذیرش و چاپ مقاله، کمتر از ۷۲ ساعت صادر می گردد.

**موسسه علمی و حقوقی قانون یار
برگزار می کند**

**پنجمین همایش علمی-پژوهشی
مطالعات علمی علوم انسانی در جهان اسلام**

ارگان ها و سازمان های حامی معنوی برگزاری همایش (در استان کرمانشاه)
دانشگاه فرهنگیان - سازمان ارشاد اسلامی - آموزش و پرورش - بنیاد شهید، سازمان شهرداری و ...

www.Olomensani.ir **www.Ghanonyar.ir**

محورهای پذیرش مقالات

- تمام گرایش های رشته فقه، حقوق و علوم قضایی ■ علوم تربیتی، تکنولوژی آموزشی و آموزش و پرورش
- روانشناسی، علوم اجتماعی، علوم دینی و مذهبی ■ علوم اقتصادی، بانکی و تمام گرایش های مدیریت

مکان و زمان برگزاری همایش
کرمانشاه - ۱۴۰۱/۱۲/۱۱

مدیر اجرایی همایش
دکتر شهلا رضایی

دبیر علمی و مسئول همایش
دکتر بهنام اسدی

ایمیل رسمی همایش جهت دریافت مقالات پژوهشگران
OLOMENSANI@YAHOO.COM

ارسال مقاله از طریق واتس آپ، اینستاگرام، تلگرام، روبیکا به شماره ۰۹۱۰۰۶۳۶۰۰۲

دبیرخانه مرکزی موسسه قانون یار: تهران، میدان انقلاب، خیابان اردیبهشت، موسسه قانون یار ۰۵۲۶ - ۰۲۱۶۶۹۷۹۵۱۹
(در صورت طرح سوال درخصوص ارسال مقاله با جذب در هیات علمی همایش با خانم دکتر قبادی تماس بگیرید ۰۹۱۹۶۷۴۸۶۲۵)

 CiteFactor Academic Journals
 MENDELEY
 جهاد دانشگاهی
 DRJI
 CONF PAPER
 Academia.edu
 PBIN.com
 Scientific Information Database
 ICI WORLD of JOURNALS
 CIVILICA